فصل اول: اسم‌ها(Nouns)

مباحث مطرح‌شده در این فصل اغلب جنبه مقدماتی و یادآوری دارند؛ بااین‌وجود، نکات ارائه‌شده در این فصل، بسیار در حل سؤالات سایر مباحث کاربردی و تعیین‌کننده خواهد بود. قبل از شروع شناخت انواع اسم‌ها، لازم است جایگاه اصلی اسم‌ها در جمله را بشناسیم. اسم یا گروه اسمی قبل از فعل در نقش فاعل جمله و بعد از فعل به عنوان مفعول می‌توانند به کار روند.

اسم (مفعول) + فعل + **اسم (فاعل)**

اسامی قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش

در زبان انگلیسی اسم‌ها را می‌توان به دو دسته قابل‌شمارش (Countable) و غیرقابل‌شمارش (Uncountable) طبقه‌بندی کرد که در دیکشنری با علامت‌های [C] و [U] مشخص می‌شوند.

اسامی قابل‌شمارش

اسم‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را با عدد شمرد و با **تعداد** بیان کرد. مانند: ۲ ماشین، ۳ خانه

برای جمع بستن اسامی قابل‌شمارش **باقاعده**، از s و یا es در انتها آن‌ها استفاده می‌کنیم. مانند: students, houses, cars

اسامی همچون public (عموم مردم)، police و people (مردم، نفرات) ذاتاً اسم جمع هستند و نیازی به s و یا es ندارد. (اسم peoples به معنای قومیت‌های مختلف است).

اسامی قابل‌شمارش **بی‌قاعده**، از قانون خاصی تبعیت نکرده و باید به‌خاطر سپرده شوند که در جدول زیر تعدادی از این اسامی به همراه فرم جمع آن‌ها ارائه شده است:

مفرد	جمع	ترجمه
man	men	مردها
woman	women	زن‌ها
child	children	بچه‌ها
tooth	teeth	دندان‌ها
foot	feet	پاها
crisis	crises	بحران‌ها
fish	fish	ماهی/ماهی‌ها

بعضی اسامی همچون collection, group, team, staff, flock, class (کلاس، گله یا دسته، اعضا یا کارمندان، تیم، گروه، ترکیب و پکیج) در مفهوم ممکن است معنای جمع داشته باشند، اما این اسامی به عنوان اسم مفرد در جملات به کار می‌روند.

The team is wining the game.

تیم دارد بازی رو برنده می‌شود.

The staff has decided to change the schedule.

کارکنان تصمیم گرفتند که برنامه زمانی را تغییر دهند.

اسامی غیرقابل‌شمارش

اسم‌هایی هستند که **نمی‌توان** آن‌ها شمرد و لازم است با **یک واحد یا مقدار مشخص** بیان می‌شود. مانند: مقداری هوا، برنج، طلا، آب، روغن و...

در ادامه تعدادی از پرتکرارترین اسامی غیرقابل‌شمارش مطرح شده در آزمون ارائه شده است:

Advice (توصیه، راهنمایی), Equipment (تجهیزات), Furniture (مبلمان), Luggage, baggage (اسباب و وسایل سفر)

Information (اطلاعات)

نکته: اسامی غیرقابل‌شمارش، به دلیل اینکه جمع بسته نمی‌شوند، همواره به همراه فعل مفرد بکار رفته و ضمایر مفرد نیز به‌جای آن‌ها قرار می‌گیرند.

دقت داشته باشید که واحدهای شمارش اسامی غیرقابل‌شمارش می‌توانند جمع بسته شوند. three bottles of water (۳ بطری آب)

واحد شمارش (Quantifier)	اسم غیرقابل‌شمارش (Uncountable Noun)	مثال (Example)
a piece of	advice, furniture, news, information (توصیه، مبلمان، اخبار، اطلاعات)	I got a useful piece of advice. (یک توصیه مفید گرفتم)
a bit of	luck, work, information (شانس، کار، اطلاعات)	She gave me a bit of information. (او مقداری اطلاعات به من داد)
a loaf of	bread (نان)	I bought a loaf of bread. (یک قرص نان خریدم)
a slice of	bread, cheese, pizza, meat (نان، پنیر، پیتزا، گوشت)	Can I have a slice of pizza? (می‌توانم یک تکه پیتزا داشته باشم؟)
a glass of	water, juice, milk (آب، آب‌میوه، شیر)	He drank a glass of milk. (او یک لیوان شیر نوشید)
a cup of	tea, coffee (چای، قهوه)	Would you like a cup of tea? (یک فنجان چای می‌خواهید؟)
a bottle of	water, juice, oil, shampoo (آب، آب‌میوه، روغن یا نفت، شامپو)	She bought a bottle of water. (او یک بطری آب خرید)
a bowl of	soup, rice, cereal (سوپ، برنج، غلات)	He had a bowl of rice. (او یک کاسه برنج خورد)
a bar of	chocolate, soap, gold (شکلات، صابون، طلا)	I ate a bar of chocolate. (من یک تخته شکلات خوردم)
a drop of	water, blood, oil (آب، خون، روغن یا نفت)	There is a drop of blood on the floor. (یک قطره خون روی زمین است)
a grain of	sand, rice, salt (ماسه، برنج، نمک)	Not a single grain of rice was left. (حتی یک دانه برنج هم باقی نماند)
a sheet of	paper, glass, metal (کاغذ، شیشه، فلز)	She wrote on a sheet of paper. (او روی یک برگ کاغذ نوشت)
a tube of	toothpaste, cream (خمیردندان، کِرِم)	I need a new tube of toothpaste. (من یک تیوپ جدید خمیردندان نیاز دارم)

در زبان انگلیسی می‌توان از صفت‌های ساختاری (جز دستور زبان انگلیسی هستند و صفت معمولی محسوب نمی‌شوند) برای بیان کیفیت، تعداد و یا مقدار قبل از اسم‌ها استفاده کرد. این صفت‌ها بسیار مهم و پرکاربرد هستند.

صفت‌های ساختاری اسامی قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش

صفت ساختاری اسامی غیرقابل‌شمارش (بعد از صفات ساختاری این ستون، لازم است اسم مفرد بکار رود)	صفت ساختاری اسامی قابل‌شمارش (بعد از صفات ساختاری این ستون، لازم است اسم جمع بکار رود)
this(این), that (آن)	this (این), that (آن) these (این‌ها), those (آن‌ها)
little (مقدار کم), much (مقدار زیاد) less (مقدار کمتر), more (مقدار بیشتر)	few (تعداد کم), many (تعداد زیاد) fewer (تعداد کمتر), more (تعداد بیشتر)
a lot of , lots of (مقدار زیاد)	a lot of , lots of (تعداد زیاد)
a (good/great) deal of (مقدار زیادی)	several = numerous = many = (تعداد زیاد)
the amount of (مقداری از)	the number of (تعدادی از)
-	Most/most of (اغلبِ، اکثرِ)

نکات مربوط به جدول بالا:

۱- this و that به عنوان ضمیر اشاره در جملات بکار می‌روند و لازم است پس از آنها از اسم مفرد و یا غیرقابل‌شمارش استفاده کرد. زمانی که از these و those به عنوان ضمیر اشاره جمع استفاده می شود، لازم است پس از آنها، اسم جمع نیز بکار رود.

This/that book, this/that water, these/those cars

۲- صفت‌هایی که در ردیف دوم مطرح شده اند، از ۳ جنبه (اسم بعد از آنها از لحاظ قابل شمارش و غیرقابل شمارش بودن، کم و زیاد بودن، مطلق و مقایسه ای) با یکدیگر متفاوت هستند که در حل تست ها این ۳ مولفه مورد سوال خواهد بود.

۳- پس از صفت‌های ستون سمت چپ (قابل‌شمارش) لازم است از اسم جمع استفاده شود.

۴- زمانی که صفت‌های ساختاری some, any, no داشته باشیم، نیازی به چک کردن قابل شمارش و غیرقابل شمارش بودن اسم بعد از آن ها نیست (چراکه این ۳ صفت برای هر دو دسته می‌توانند بکار روند).

These books are interesting. (این کتاب‌ها جالب هستند)

Few students passed the exam. (تعداد کمی از دانش‌آموزان قبول شدند)

Fewer mistakes were found. (اشتباهات کمتری پیدا شد)

Several cars were parked outside. (چندین ماشین بیرون پارک شده بودند)

The number of applicants is increasing. (تعداد متقاضیان در حال افزایش است)

The amount of information is overwhelming. (حجم اطلاعات بسیار زیاد است)

There is **little** water left. (مقدار کمی آب باقی مانده است)

We need **less** sugar. (ما به شکر کمتری نیاز داریم)

He has **a great deal of** experience. (او تجربه زیادی دارد)

She has **a lot of** friends. (او دوستان زیادی دارد)

There is **a lot of** water here. (اینجا مقدار زیادی آب هست)

سؤالات این بخش معمولاً در سه تیپ اصلی طرح می‌شوند:

۱. تناسب صفت با اسم قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش

در این نوع تست‌ها، باید دقت کنیم که صفت انتخاب‌شده با اسم پس از آن از نظر قابل‌شمارش بودن سازگار باشد.

(این مورد اغلب بر اساس ظاهر کلمات قابل تشخیص است.)

۲. انتخاب صفت مطلق یا مقایسه‌ای متناسب با مفهوم جمله

برخی صفت‌ها به‌صورت مطلق (بدون مقایسه) و برخی به‌صورت مقایسه‌ای به‌کار می‌روند.

برای انتخاب صحیح، باید بررسی کنیم که آیا جمله مفهومی مقایسه‌ای دارد یا خیر.

۳. انتخاب میزان زیاد یا کم بودن متناسب با مفهوم جمله

در این نوع تست‌ها، توجه به معنای جمله ضروری است.

باید بررسی کنیم که آیا جمله به مفهوم "زیاد" اشاره دارد یا "کم"، و سپس گزینه مناسب را انتخاب کنیم.

1. Sarah found ……. information about the topic during her research, so she decided to write a detailed report.[1]

1) a few 2) a lot of 3) many 4) numerous

پاسخ: گزینه ۲: تمامی گزینه‌ها صفت‌های ساختاری مربوط به مبحث اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش بوده و در نتیجه با دقت به اسم information که غیرقابل‌شمارش است، لازم است از صفت غیرقابل‌شمارش استفاده کرد که در بین گزینه‌ها، تنها گزینه ۲ برای اسامی غیرقابل‌شمارش نیز مناسب است و سایر گزینه‌ها برای اسامی قابل‌شمارش بکار می‌رود.

2. Girls tend to make ……. careless mistakes because they are more careful. [2]

1) fewer 2) more 3) less 4) many

پاسخ: گزینه ۱: گزینه ۳ صفت ساختاری برای اسامی غیرقابل شمارش و سایر گزینه‌ها برای اسامی قابل شمارش است که با توجه به اسم mistakes گزینه ۳ نامناسب است (کلمه careless به دلیل پسوند صفت ساز less صفت محسوب می شود). گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ مقایسه ای و گزینه ۴ مطلق است و لازم است بررسی کنیم آیا مقایسه ای در جمله وجود دارد یا خیر. با توجه به ترجمه، دختران مراقب تر هستند و در نتیجه تمایل دارند اشتباهات بی دقتی کمتری انجام دهند. در نتیجه گزینه ۱ صحیح است.

[1] سارا در طی تحقیق خود مقدار زیادی اطلاعات در مورد موضوع پیدا کرد، بنابراین تصمیم گرفت گزارش مفصلی بنویسد. (۲)

[2] دختران معمولاً اشتباهات سهل‌انگارانه کمتری انجام می‌دهند زیرا بیشتر مراقب هستند. (۱)

3. We didn't earn ……. profit this year. [3]

1) many 2) so many 3) much 4) that

پاسخ: گزینه ۳: گزینه‌های ۱ و ۲ مشابه یکدیگر بوده و هر دو حذف می‌شوند (گزینه ۲ به دلیل قید کیفی so تقویت شده و به معنای تعداد خیلی زیاد است ولی از لحاظ کاربرد هیچ تفاوتی با گزینه ۱ ندارد، همچنین پس از این دو گزینه، نیاز به اسم جمع داریم که مطرح نشده است). پس از گزینه ۳ می‌توان اسم غیرقابل شمارش بکار برد که متناسب با مفهوم جمله، گزینه ۳ مناسب است. پس از گزینه ۴ نیز می‌توان از اسم غیرقابل‌شمارش استفاده کرد اما از لحاظ ترجمه نامناسب است.

4. The company has less money and ……. staff. [4]

1) fewer 2) less 3) that 4) the amount of

پاسخ: گزینه ۲: اسم staff به معنای "کارمندان، کارکنان" اسم مفرد محسوب شده که در بین گزینه‌ها، گزینه ۲ مناسب است. کلمه staff در واقع یک اسم غیرقابل‌شمارش بوده و نمی‌توان با صفت ساختاری fewer بکار برد (رد گزینه ۱). گزینه های ۳ و ۴ ترکیبات معنایی مناسبی به جمله نمی‌دهند. این اسم در ادبیات انگلیسی بریتانیایی به همراه s جمع بکار می‌رود، اما مبنای طرح سؤالات در آزمون‌ها، انگلیسی آمریکایی است.

5. I am dealing with ..... problems at this moment. [5]

1) a large number of 2) a great deal of 3) large amounts of 4) much more

پاسخ: گزینه ۱: گزینه‌های ۲ و ۳ هر دو برای مقدار زیاد و قبل از اسامی غیرقابل‌شمارش استفاده می‌شوند، بنابراین برای اسم problems که قابل‌شمارش است، مناسب نیستند (رد گزینه‌های ۲ و ۳). گزینه ۴ صفت مقایسه‌ای بوده و گزینه ۱ صفت مطلق است که با توجه به مفهوم، گزینه ۱ مناسب‌تر است.

کاربرد صفات ساختاری some, any, no

این ۳ صفت در مبحث قبل معرفی شده و می دانیم که شباهت این ۳ صفت در این است که پس از آن ها می‌توان از اسامی قابل شمارش و غیرقابل‌شمارش استفاده کرد. در حل تست ها تفاوت بین این ۳ صفت اهمیت دارد.

some (به معنای "تعدادی، مقداری یا بعضی") و no (به معنای "هیچ") باید در جملات **مثبت** یا **خبری** بیایند. جملات در زبان انگلیسی را می‌توان با not پس از فعل کمکی منفی کرد و یا می‌توان از قیدهای منفی مانند never جهت منفی کردن جمله استفاده کرد.

any (به معنای "هیچ") باید در جملات **منفی** یا **سؤالی** بیاید. (همچنین any در جملات **مثبتی** که مفهوم **عمومی و کلی** دارد، به معنای "هر" بکار می‌رود (مثلا: هر بچه‌ای که قانون را بشکند، تنبیه خواهد شد. هر بچه‌ای به صورت any child مطرح می‌شود)

پس از صفت‌های ساختاری some, any, no می‌توان هم از اسامی قابل‌شمارش و هم غیرقابل‌شمارش استفاده کرد (در نتیجه نیازی به چک کردن اسم بعد از آنها نیست). همچنین این سه صفت ساختاری، می‌توانند قبل از صفت‌ها و یا قیدها نیز مطرح شوند (مانند any longer, no longer, sometimes و ...)

---

[3] امسال سود زیادی کسب نکردیم. (۳)

[4] این شرکت پول و پرسنل کمتری دارد. (۲)

[5] من در حال حاضر با تعداد زیادی از مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنم. (۱)

ترکیبات پرتکرار با some, no, any

ترکیب		معنی	مثال استفاده در جمله	ترجمه مثال
some	**somebody**	کسی	Somebody **is** knocking on the door.	کسی در را می‌زند.
	someone	یک نفر	Someone called you earlier.	یک نفر زنگ زد.
	something	چیزی	Something smell**s** good in the kitchen.	بوی خوبی در آشپزخانه می‌آید.
	somewhere	جایی	Let's go somewhere nice for lunch.	بیایید جایی خوب برای ناهار برویم.
no	**nobody**	هیچ‌کس	Nobody know**s** the answer.	هیچ‌کس جواب را نمی‌داند.
	no one	هیچ‌کس	No one came to the party.	هیچ‌کس به مهمانی نیامد.
	nothing	هیچ چیز	There is nothing in the fridge.	در یخچال هیچ چیزی نیست.
	nowhere	هیچ جا	I have nowhere to go tonight.	امشب هیچ جایی ندارم که بروم.
any	**anybody**	هرکسی، کسی	Can anybody help me with this?	آیا کسی می‌تواند به من کمک کند؟
	anyone	هرکس، کسی	Do**es** anyone have a pen?	کسی خودکار دارد؟
	anything	هر چیزی، چیزی	You can ask me anything.	می‌توانید هر چیزی از من بپرسید.
	anywhere	هر جا	I can work anywhere with my laptop.	با لپ‌تاپم می‌توانم هر جایی کار کنم.

روش حل تست‌های این بخش: با توجه به اینکه این ۳ صفت ساختاری بین اسامی قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش مشترک هستند، تنها لازم است که به **مثبت/ منفی/ سؤالی بودن** جمله توجه کنیم.

6. Sara was so lucky to find ……. who could help her with the difficult project.[6]

1) somewhere 2) somebody 3) nobody 4) anybody

پاسخ: گزینه ۲: با توجه به اینکه تفاوت گزینه‌ها، در مبحث صفت‌های some, any, no مطرح شده، در ابتدا لازم است با بررسی صورت سوال، مثبت، منفی و یا سوالی بودن را مشخص کنیم. جمله مثبت بوده و گزینه ۴ نامناسب است. تفاوت سایر گزینه‌ها در ترجمه آنهاست.

7. We haven't had ……. news from the mountain climbers. [7]

1) some 2) no 3) those 4) any

پاسخ: گزینه ۴: اسم news به معنای "اخبار" اسم غیرقابل شمارش است که البته باعث حذف شدن هیچ گزینه ای نمی شود. با توجه به فعل منفی haven't، گزینه ۱ (some) که در جملات مثبت استفاده می‌شود، و گزینه ۲ (no) که خودش جمله را منفی می‌کند، نادرست هستند. پس از those لازم است از اسم جمع استفاده شود اما news اسم غیرقابل‌شمارش است و این گزینه نادرست است. گزینه ۴ از لحاظ ساختاری و مفهومی مناسب‌ترین گزینه است.

---

[6] سارا خیلی خوش‌شانس بود که کسی را پیدا کرد که می‌توانست به او در پروژه سخت کمک کند. (۲)

[7] هیچ خبری از کوهنوردان کوهستان نداریم. (۴)

8. John doesn't want to stay in a dormitory room ……. [8]

1) never 2) no longer 3) anymore 4) no more

پاسخ: گزینه ۳: تمامی گزینه‌ها در جمله نقش قید دارند و با توجه به فعل منفی، تنها گزینه مناسب، گزینه ۳ می باشد. سایر گزینه‌ها باید در جمله مثبت بکار روند. گزینه‌های ۲ و ۳ هم معنی هستند.

کاربرد صفات ساختاری each, every, all

each و every (به معنای "هر") قبل از **اسامی قابل‌شمارش مفرد** بکار رفته و در تست‌ها، از لحاظ کاربرد و ترجمه دقیقاً مثل هم هستند. تفاوت جزئی این دو صفت در مفهوم آنهاست. Each بر تک‌تک اجزا تأکید دارد و هر مورد را به‌صورت جداگانه در نظر می‌گیرد، در حالی که every به کل مجموعه نگاه می‌کند و بیشتر بر جنبه‌ی عمومی تأکید دارد (این تفاوت در آزمون‌ها کمتر مورد سؤال است).

Each student must submit the project by Monday.

هر دانشجو باید پروژه را تا دوشنبه ارسال کند. (تک‌تک دانشجویان باید اینکار را انجام دهند)

Every student in the class received a gift.

هر دانشجو در کلاس یک هدیه دریافت کرد. (این اتفاق برای همه دانشجویان رخ داده است)

all (به معنای "همه، کلِ") قبل از اسم‌ها (**غالباً اسامی جمع**) بکار می‌رود. توجه داشته باشید که زمانی که all قبل از یک اسم مفرد بکار می‌رود، به معنای کلِ آن اسم است و نه تعدادی از آن اسم.

all cells, all cell, all bodies, all body

همه سلول‌ها، کلِ یک سلول، همه نفرات یا بدن‌ها، کل یک بدن

نکته: دقت کنید که بعد از each یا every اسم مفرد، بعد از each of اسم جمع و بعد از all of/all اسم جمع بکار می‌رود.

Every/each student (هر دانشجو), each of students (هر کدام از دانشجویان), all (of) students (همه دانشجویان)

9. The company has a clear strategy to minimize the costs at ……. stages of the operation. [9]

1) every 2) each 3) much 4) all

پاسخ: گزینه ۴: گزینه‌های ۱ و ۲ به دلیل اینکه پس از آنها باید اسم مفرد بیاید، نامناسب هستند. گزینه ۳ نیز به دلیل اینکه قبل از اسم غیرقابل‌شمارش می‌آید، نادرست است. گزینه‌ی ۴ صحیح است زیرا all معمولاً قبل از اسم جمع استفاده می‌شود.

---

[8] جان دیگر نمی‌خواهد در اتاق خوابگاه بماند. (۳)

[9] . شرکت یک استراتژی مشخصی دارد که هزینه‌ها را در تمامی مراحل عملیات به حداقل برساند. (۴)

کاربرد صفات ساختاری another, other, others

صفت ساختاری other به معنای "سایرِ"، others به معنای "بقیه، سایرین" و another به معنای "آن یکی" است. بعد از other معمولاً اسم جمع می‌آید، (اما اگر همراه با a/the باشد، می‌تواند قبل از اسم مفرد نیز بیاید مثلاً the other book) بعد از another اسم مفرد به کار می‌رود و بعد از others نباید اسم استفاده شود. مثال:

I need other research articles on this topic.

من به مقالات تحقیقاتی دیگری درباره این موضوع نیاز دارم.

Some students have submitted their assignments; others are still working on them.

بعضی از دانشجویان تکالیفشان را تحویل داده‌اند؛ بقیه هنوز در حال کار روی آن‌ها هستند.

Can you suggest another book for this course?

آیا می‌توانی کتاب دیگری برای این درس پیشنهاد کنی؟

نکته: به یاد داشته باشید که اگر به اسمی قبلاً اشاره شده باشد (و یا مخاطب منظور ما را متوجه باشد)، می‌توان بعد از other و یا another اسمی به‌کار نبرد. به این نکته، حذف به قرینه گفته می‌شود که فصل‌های آینده درباره این مبحث صحبت خواهد شد.

I think this house is bigger than other/another.

در این مثال در حال مقایسه یک خانه به بقیه خانه‌ها هستیم اما در طرف دوم مقایسه مجدداً اسم house تکرار نشده و دلیل آن این است که قبلاً درباره خانه صحبت کرده است و مخاطب متوجه منظور شده است.

حروف تعریف (a, an, the)

حروف تعریف a, an : در زبان انگلیسی a و an (به معنای "یک/یه") قبل از اسامی **قابل‌شمارش مفرد** بکار رفته و مفهوم عدد ۱ را به اسم می‌دهند. و تفاوت آن‌ها در در صدای اولین کلمه‌ی بعد از آن‌ها است. (an در ابتدای کلماتی که در تلفظ با اَ، اِ، اُ، آ، اُو و ای شروع می‌شوند و سایر کلمات با a بکار می‌روند)

A university, A unit, A European country, A unique method, An hour

در این مثال‌ها، ظاهر کلمات با حرف صدادار u شروع شده‌اند، ولی به دلیل اینکه در تلفظ "یو" تلفظ شده و این تلفظ جز ۶ تلفظ نکته بالا نیست، لازم است با a بکار روند. در مثال an hour، حرف h خوانده نشده و این کلمه "آور" تلفظ می شود.

حرف تعریف The: در زبان انگلیسی و به‌طورکلی، the قبل از اسم یا گروه اسمی بکار می‌رود که اسم موردنظر، بین گوینده و شنونده مشخص شده و مشترک باشد. برای درک بهتر کاربرد the، می‌توان بررسی کرد که آیا اسم موردنظر بین گوینده و شنونده مشخص است یا خیر (به بیان دیگر، می‌توان در ترجمه قبل از اسم، کلمه "خاص" را اضافه کرد؛ اگر جمله همچنان معنای موردنظر را برساند، استفاده از the مناسب است).

دقت شود که نمی‌توان ضمایر اشاره همچون that, this,... را با the بکار برد؛ چرا که هر دو به معین و مشخص بودن اسم اشاره دارند.

نکات مهم حرف تعریف The

۱- حرف تعریف the می‌تواند قبل از اسامی مفرد، جمع، قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش به‌کار رود، مشروط بر اینکه اسم موردنظر برای گوینده و شنونده مشخص باشد.

Give me a pen/the pen.

به من یک خودکار بده/ خودکار را به من بده.

۲- همچنین زمانی که در جملات قبلی، یک اسمی معرفی شده باشد، در جملات بعدی از حرف تعریف the قبل از آن اسم استفاده می شود.

Yesterday, I saw a bird. The bird was blue.

دیروز یک پرنده دیدم. آن پرنده آبی بود.

۳- حرف تعریف the قبل از اعداد ترتیبی (اول، دوم، سوم و ...) و دهه‌ها برای مشخص کردن یک دوره‌ی خاص استفاده می‌شود.

The first, the second, the third, the fourth, the fifth, the sixth, …

اعداد ترتیبی: (اولین، دومین، سومین، ...)

The 1800s, the twentieth century

دهه ۱۸۰۰، قرن بیستم

۴- اگر the قبل از یک صفت بیاید، آن صفت به گروهی از افراد اشاره می‌کند که آن ویژگی را دارند. در این حالت، عبارت به‌عنوان یک اسم عمل می‌کند.

The unemployed (گروه یا جامعه بی‌کاران), the rich (گروه یا جامعه پولداران و سرمایه‌داران)

تمرین:

(-/a/an/the) Ordinary Cars have four wheels.

خودروهای معمولی چهار چرخ دارند.

(-/a/an/the) Diamond is composed of just one chemical element, carbon.

الماس تشکیل شده است فقط از یک عنصر شیمیایی، کربن.

به مثال‌های بالا دقت کنید. در مثال دوم اگر از حرف تعریف the استفاده شود، بدین معناست که ماشین‌های خاصی دارای ۴ چرخ هستند که از لحاظ مفهومی اشتباه بوده چرا که همه ماشین‌ها ۴ چرخ دارند، در نتیجه لازم است بدون حرف تعریف مطرح شود. استفاده از the در اینجا معنای خاص بودن خودروها را القا می‌کند، در حالی که منظور بیان یک قانون کلی است.

در مثال سوم، اگر حرف تعریف a بکار رود بدین معناست که یک الماسی از کربن تشکیل شده که منطقاً اشتباه است. اگر از حرف تعریف the استفاده شود، یعنی یک الماس مشخص و خاص این ویژگی را دارد که باز هم منطقاً نادرست است، بنابرین در این مثال نیز لازم است حروف تعریف حذف شوند. به عنوان نتیجه گیری، زمانی که جمله جنبه کلی و عمومی دارد، استفاده از حروف تعریف توصیه نمی شود.

نکته مهم: در حل تست‌ها لازم است اسم مفرد قابل شمارش به همراه حرف تعریف یا صفت ساختاری مناسب ارائه شود.

این قاعده زمانی نقض می‌شود که جمله جنبه عمومی و کلی داشته باشند (مشابه مثال‌های مبحث قبل). همچنین دقت کنید که اسم اصلی جمله با حروف تعریف یا صفت‌های ساختاری از لحاظ شمارش، همخوانی داشته باشند.

He gave me **a** diamond.

او به من یک الماس داد.

an internal substance**s**.

یک ماده داخلی

این ترکیب به دلیل اینکه اسم اصلی جمع ولی حرف تعریف مفرد است، نادرست است.

ساختار گروه اسمی

ساختار گروه اسمی:

اسم اصلی + (اسم‌ها (مضاف‌الیه)) + (صفت‌ها) + (حروف تعریف یا صفت ساختاری)

The/All new Tehran University books

همه کتاب‌های جدید دانشگاه تهران.

در این ترکیب all صفت ساختاری، new صفت، Tehran university مضاف الیه و books اسم اصلی است.

می‌توان برای تکمیل مفهوم اسم‌ها، از کلماتی مانند حرف تعریف، صفت ساختاری، صفت و یا مضاف‌الیه قبل از آن‌ها استفاده کرد. دقت داشته باشید که هر کدام از این اجزا، اختیاری بوده و متناسب با مفهوم جمله می‌توان اضافه و یا حذف کرد. در این گروه، اسم اصلی معمولاً در انتهای عبارت قرار می‌گیرد و تنها همین اسم می‌تواند به صورت جمع ظاهر شود.

برای درک بهتر ترکیب مضاف و مضاف‌الیه، به مثال زیر دقت کنید که در آن تمامی کلمات اسم هستند.

The England football team coach

مربیِ تیمِ فوتبالِ انگلیس

کاربرد حرف اضافه of

حرف اضافه of در دو صورت ترجمه می‌شود ("از" و "ـِ")

The book of Ali (کتابِ علی), Two of neighborhoods (دو تا از محله‌ها)

و معمولاً از سه قاعده زیر پیروی می‌کند:

۱- هدف اصلی حرف اضافه of، اتصال اسم‌ها یا گروه‌های اسمی به یکدیگر است. همچنین می‌توان قبل از آن از صفت‌های ساختاری نظیر all, each, some, none استفاده کرد." (نمی‌توانیم از صفت تنها، قید تنها، فعل و حرف اضافه در قبل و یا بعد از of استفاده کنیم مگر افعال دوقسمتی که حرف اضافه اختصاصی آن‌ها، of باشد. مانند افعال جدول زیر:

ترجمه	فعل	ترجمه	فعل
دور انداختن، خلاص شدن از شر چیزی	**dispose of**	شامل شدن، متشکل بودن از	**consist of**
ناامید شدن از چیزی	**despair of**	برداشت کردن از چیزی، ساخته شده از چیزی	**make of**
شکایت کردن از (بیماری، مشکل)	**complain of**	به چیزی فکر کردن، در نظر گرفتن	**think of**
موافقت کردن با ،تایید کردن	**approve of**	متهم کردن کسی به چیزی	**accuse (someone) of**

All of my colleages (همه همکارانم), a group of people (گروهی از مردم)

۲- در اکثر موارد، ابتدای گروه اسمی **اول**، لازم است از the استفاده کنیم. (به دلیل اینکه با بیان جزئیات و یا ربط دادن به یک اسم دیگر (بعد از of)، اسم اول مشخص و معین می‌شود) اما اگر اسم به صورت کلی و غیرمشخص استفاده شود، نیازی به the نیست. مثال:

The house **of** my neighbor (خانه همسایه‌ام).

در این مثال، خانه به تنهایی مشخص نیست اما به دلیل مالکیت آن توسط of مشخص شد، خانه معین شده و لازم است the داشته باشد.

The health **of** the patient is better.

سلامتی بیمار بهتر است (سلامتی برای یک شخص بوده و مشخص است و نیاز به the دارد).

۳- اگر ترکیب ایجادشده با of فاعل یک جمله باشد، لازم است فعل جمله از لحاظ مفرد یا جمع بودن متناسب با **اسم قبل از of** باشد.

A collection of books was donated to the library.

مجموعه‌ای از کتاب‌ها به کتابخانه اهدا شد.

در اینجا collection فاعل جمله است که مفرد محسوب می‌شود، بنابراین فعل was به‌صورت مفرد آمده است.

A team of researchers is working on the project.

یک تیم از پژوهشگران روی پروژه کار می‌کند.

در این جمله team فاعل جمله است و مفرد به حساب می‌آید، به همین دلیل فعل is مفرد آمده است، حتی با اینکه researchers جمع است.

The books of Ahmad are comic stories.

کتاب‌های احمد داستان‌های کمدی هستند.

در این جمله فاعل books و جمع است و از لحاظ شمارش با فعل جمع are همخوانی دارد.

قاعده جز از کل

زمانی که بخشی از یک مجموعه را انتخاب می‌کنیم (حداقل دو مورد)، لازم است مجموعه موردنظر را به‌صورت جمع به کار ببریم .

Each of the students/ a group of students / two of the students / none of the students / all of the students

یکی از دانشجویان/ یک گروه از دانشجویان/ دو تا از دانشجویان/ هیچ‌کدام از دانشجویان/ همه دانشجویان

نکته: صفت ساختار none به معنای "هیچ‌کدام" لازم است در جملات مثبت استفاده شده و اگر بخواهد پس از آن از اسمی مطرح شود، باید از none of استفاده کنیم.

10. ……. angles of any triangle always are 180 degrees.[10]

1) The three 2) Three of 3) Three 4) The three of

پاسخ: گزینه ۱: گزینه ۲ نشان‌دهنده قاعده 'جز از کل' است و معنای آن 'سه زاویه از یک مثلث' خواهد بود. این برداشت، نادرست است زیرا هر مثلث دقیقاً سه زاویه دارد و نمی‌توان فرض کرد که تعداد بیشتری زاویه دارد و ما فقط سه تای آن‌ها را انتخاب می‌کنیم. در گزینه ۱ مشخصاً به ۳ زاویه از مثلث اشاره دارد. در گزینه ۳، 'Three' بدون حرف تعریف آمده است که نشان‌دهنده سه زاویه از هر مثلث است، اما از آنجایی که این سه زاویه مشخص و معین هستند، استفاده از the ضروری است. پس این گزینه نیز نادرست است. در گزینه ۴ حرف تعریف the قبل از صفت عددی تنها به کار رفته و نادرست است.

11. Mars is now proven to house a large amount of water, but …… underground. [11]

1) is of it practically all 2) all is of it practically

3) practically all of it is 4) it is practically all of

پاسخ: گزینه ۳: قبل یا بعد از of نباید از فعل استفاده شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲). بعد از all of نیاز به اسم جمع داریم که در گزینه ۴ رعایت نشده است. در گزینه ۳ نیز در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که بعد از all of باید یک اسم جمع بیاید، اما توجه داشته باشید که مرجع ضمیر it در این جمله، کلمه water است که یک اسم غیرقابل شمارش محسوب می‌شود. بنابراین، استفاده از ضمیر مفرد it صحیح است.

12. I was surprised to see ……. at the concert. [12]

1) that numbers of people 2) those number of people

3) that amount of people 4) that number of people

پاسخ: گزینه ۴: در این سؤال، دو تفاوت اساسی بین گزینه‌ها وجود دارد: اول، استفاده از that و those و دوم، استفاده از number و amount. از آنجا که کلمه people یک اسم جمع است، نمی‌توان آن را با amount که برای اسامی غیرقابل‌شمارش به کار می‌رود، همراه کرد. همچنین، پس از ضمیر اشاره those معمولاً یک اسم جمع می‌آید، اما 'number' مفرد است و نمی‌تواند همراه با those به کار رود. بنابراین، تنها گزینه ۴ ترکیب درستی دارد.

---

[10] سه زاویه‌ی هر مثلث همواره ۱۸۰ درجه است. (۱)

[11] در حال حاضر ثابت شده است که مریخ مقدار زیادی آب را در خود جای‌داده است، اما عملاً تمام آن زیر زمین است. (۳)

[12] از دیدن این تعداد نفر در کنسرت متعجب شدم. (۴)

13. Most foods have more than one nutrient, but ……. provides all the essential nutrients. [13]

1) no single food 2) none single food 3) no food single 4) none food single

پاسخ: گزینه ۱: کلمه single (به معنای 'تک، واحد') یک صفت است و باید قبل از اسم قرار گیرد، بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست هستند. علاوه بر این، اگر بخواهیم بعد از none از یک اسم استفاده کنیم، باید ترکیب none of را به کار ببریم، در حالی که گزینه ۲ این ساختار را ندارد. در نتیجه، گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

تطابق فعل و فاعل

ساختار جمله در زبان انگلیسی:

فعل + اسم / گروه اسمی / ضمیر +...

در جملات فارسی و انگلیسی، قبل از فعل معمولاً یک اسم، گروه اسمی یا ضمیر قرار می‌گیرد. علاوه بر این، اسم یا فاعل جمله (یعنی اسمی که درباره آن صحبت می‌شود) باید از لحاظ مفرد یا جمع بودن با فعل مطابقت داشته باشد. نکات کامل مرتبط با مبحث افعال در فصل چهارم به‌طور مفصل ارائه خواهد شد. در اینجا فقط به این نکته توجه کنید که می‌توان با استفاده از فعل‌های کمکی، فعل‌ها را به شکل مفرد یا جمع تغییر داد.

مثال:

A boy eat**s** a hamburger.

یک پسر یک همبرگر می‌خورد.

Boy**s** eat a hamburger.

پسرها همبرگر می‌خوردند.

A student read**s** a book.

یک دانشجو یک کتاب می‌خواند.

Student**s** read a book.

دانشجویان یک کتاب می‌خوانند.

اگر فاعل جمله مفرد باشد (مانند he, she, it یا اسامی مفرد)، فعل در زمان حال ساده معمولاً به آن s یا es اضافه می‌شود.

دقت شود که در اینجا به انتهای فعل **s** و **es** اضافه شده است و نه به **انتهای اسم**. در این جزوه، این دسته از افعال را "فعل مفرد" می‌نامیم.

جدول تفکیک افعال کمکی بر اساس ضمیر			
ضمیر فاعلی	**از ریشه فعل be** (زمان گذشته/حال)	**از ریشه فعل have** (زمان گذشته/حال)	**از ریشه فعل do** (زمان گذشته/حال)
I	am, was	have, had	do, did
you	are, were	have, had	do, did
he/she/it	is, was	has, had	does, did
we	are, were	have, had	do, did
you	are, were	have, had	do, did
they	are, were	have, had	do, did

در این جدول مشخص شده است که متناسب با فاعل جمله (در حالتی که اسم مستقیماً مطرح شود و یا به جای آن از ضمیر استفاده شود)، لازم است از فعل‌های کمکی متفاوتی استفاده کرد. این مبحث به صورت کامل در فصل فعل‌ها بررسی خواهد شد.

[13] بیشتر غذاها بیش از یک ماده مغذی دارند، اما هیچ غذایی به‌تنهایی تمام مواد مغذی ضروری را تأمین نمی‌کند. (۱)

روش تفکیک کلمات

در زبان انگلیسی، برخی کلمات ممکن است نقش‌های گوناگونی داشته باشند. برای مثال، کلمه use هم می‌تواند به‌عنوان فعل (به معنی "استفاده کردن") و هم به‌عنوان اسم (به معنی "کاربرد") به کار رود. برای درک بهتر ساختار جملات، لازم است نقش کلمات را به‌درستی تشخیص دهیم.

در ادامه ۳ روش اصلی برای تشخیص دقیق‌تر نقش کلمات ارائه شده است:

۱- اسم‌ها در زبان انگلیسی با ۳ روش به همدیگر متصل می‌شوند:

The coach of football (توسط حرف اضافه of)

The football's coach (توسط 's)

The football coach (ترکیب مضاف و مضاف‌الیه)

دو روش اول را می‌توان به‌راحتی از روی ساختار جمله تشخیص داد، اما در روش سوم (ترکیب مضاف و مضاف‌الیه)، بررسی معنای عبارت ضروری است. هر ترکیب اسمی دلخواهی معتبر نیست، بلکه باید از نظر معنایی صحیح باشد. اگر بین دو اسم یا گروه اسمی، این ۳ روش بکار نرفته باشد، لازم است اسم‌ها توسط یک جداکننده (از قبیل فعل، مصدر، حرف ربط، حرف اضافه) جدا شوند.

در یک گروه اسمی، معمولاً تنها اسم اصلی که در انتهای گروه قرار دارد، می‌تواند به‌صورت جمع ظاهر شود. به عبارت دیگر، اگر در گروه اسمی، به اسم جمع رسیدیم، مطمئن هستیم که آخرین کلمه از گروه اسمی است.

۲- فعل‌ها اغلب دارای فعل کمکی از ریشه‌های have و to be هستند و لازم است به‌درستی تشخیص دهیم که این فعل‌ها، کمکی هستند یا اصلی. درصورتی‌که بعد از این افعال، شکل ing دار و یا قسمت سوم فعل (P.P) بکار رود، فعل‌های مذکور نقش فعل کمکی داشته، در غیر این صورت، فعل اصلی بوده و معنای خودشان را در جمله دارند. این روش در شمردن تعداد فعل‌ها کمک‌کننده خواهد بود.

Ali / is / a teacher.

در این جمله، پس از is فعل ing دار و یا p.p بکار نرفته و is فعل اصلی است.

Ali / is teaching / English.

در این جمله، پس از is فعل ing دار بکار رفته و is فعل کمکی است.

Maryam / has lived / in / Tehran / for / 20 years.

در این جمله، پس از has فعل p.p بکار رفته و has فعل کمکی است.

۳- در هرجایی از جملات، ابتدا فعل‌ها، مصدرها، حروف اضافه و یا حروف ربط را مشخص کنید. این کلمات باعث تفکیک گروه‌های اسمی خواهند شد. در جملات پیچیده و طولانی، به منظور ساده‌سازی، می‌توان قیدهای زمان، مکان و... را شناسایی و از ظاهر جمله حذف کرد.

My father / studied / a newspaper.

در این مثال، انتظار داریم پس از اسم ابتدای جمله، فعل بکار رود. همچنین این فعل، جداکننده دو گروه اسمی است.

I / had lived / in / United States / for / many years.

در این مثال، فعل had lived و حرف اضافه for به عنوان جداکننده مشخص بوده و ساختارهای قبل و بعد از آن‌ها تفکیک شده‌اند. ترکیب in united states را می‌توان به عنوان قید مکان کلاً نادیده گرفت و یا می‌توان حرف اضافه in را به عنوان جداکننده محسوب کرد.

البته با مطالعه سایر مباحث گرامر، نقش و انواع جداکننده‌ها مشخص‌تر خواهد شد.

تمرین: کلمات جملات زیر را تفکیک کنید و نقش هر کدام را بنویسید.

a) John will have memorized all of the words that he will need to know for the exam by the end of next week.

John (اسم) / will have memorized (فعل) / all (صفت ساختاری) / of (حرف اضافه) / the words (گروه اسمی) / that (ضمیر موصولی) / he (ضمیر) / will need (فعل) / to know (مصدر) / for (حرف اضافه) / the exam (گروه اسمی) / by (حرف اضافه) / the end (گروه اسمی) / of (حرف اضافه) / next week (گروه اسمی).

جان تمام کلماتی را که برای امتحان باید بداند را تا پایان هفته آینده حفظ خواهد کرد.

b) The Millicent Rogers Museum houses five thousand pieces of Hispanic and American Indian jewelry, textiles, and other objects documenting the vibrancy of these cultures.

The Millicent Rogers Museum (گروه اسمی) / houses (فعل) / five thousand pieces (گروه اسمی) / of (حرف اضافه) / Hispanic and American Indian jewelry, textiles, and other objects (گروه اسمی) / documenting ((فعل (حذف ضمیر موصولی)) / the vibrancy (گروه اسمی) / of (حرف اضافه) / these cultures (گروه اسمی).

موزه Millicent Rogers دارای پنج هزار قطعه جواهرات، منسوجات و دیگر اشیاء سرخ‌پوستی اسپانیایی و آمریکایی است که شور و نشاط این فرهنگ‌ها را مستند می‌کند.

c) The invention relates to pigments whose color depends on the viewing angle, their preparation, and use.

The invention (گروه اسمی) / relates (فعل) / to (حرف اضافه) / pigments (اسم) / whose (ضمیر موصولی) / color (اسم) / depends (فعل) / on (حرف اضافه) / the viewing angle, their preparation, and use (گروه اسمی).

این اختراع مربوط به رنگ‌دانه‌هایی است که رنگ آنها به زاویه دید، تهیه و استفاده از آنها بستگی دارد.

پسوندهای اسم‌ساز پرتکرار

یکی دیگر از روش‌های ساخت اسم‌ها در زبان انگلیسی، استفاده از پسوندهای اسم‌ساز در انتهای کلمات است. با تسلط به این پسوندها، می‌توان نقش کلمات را حتی بدون دانستن معنای آنها نیز تشخیص داد. آیتم‌های ستاره‌دار پرتکرارتر هستند.

پسوندهای اسم‌ساز					
پسوند	مفهوم	مثال	ترجمه	مثال	ترجمه
-tion, -ition, -ation*	عمل یا وضعیت پیامد	translate	ترجمه کردن	translation	ترجمه
		compete	رقابت کردن	competition	رقابت
		pronounce	تلفظ کردن	pronunciation	تلفظ
-age	عمل، حالت، فرایند	marry	ازدواج کردن	marriage	ازدواج
-ment*	حالت، وضعیت، عمل	move	حرکت کردن	movement	حرکت
-ure	عمل یا وضعیتی که پیامد چیزی هست	please	خوشحال کردن	pleasure	خوشی و تفریح
-er, -or, -ar	انجام‌دهنده	teach	تدریس کردن	teacher	معلم
-ice	حالت، وضعیت	serve	خدمت کردن	service	خدمت
-y, -ty, -ity*	حالت یا وضعیت	discover	کشف کردن	discovery	اکتشاف
		safe	امن، ایمن	safety	امنیت
		depend	وابسته بودن	dependent	وابستگی
-ing	عمل، حالت، فرایند	walk	راه رفتن	walking	پیاده‌روی
-ence, -ance*	عمل، حالت، وضعیت یا کیفیت	differ	اختلاف داشتن	deference	تفاوت
		perform	اجرا کردن	performance	اجرا، عملکرد
-sion, -ion*	عمل یا وضعیتی که پیامد چیزی هست	invent	اختراع کردن	invention	اختراع
		persuade	وسوسه کردن	persuasion	وسوسه
-ery	یک کار یا تجارت، نوعی رفتار، یک وضعیت	cream	کرم، خامه	creamery	لبنیاتی
-ness*	حالت، وضعیت، کیفیت	happy	خوشحال	happiness	خوشحالی
-th	وضعیت	grow	رشد کردن	growth	رشد و نمو
-ist*	کسی که عملی را انجام می‌دهد	tour	گردش کردن	tourist	گردشگر
		feminine	زنانه	feminist	طرفدار حقوق زنان
-ism*	حالت، عمل، مکتب فکری	ideal	ایده‌آل، خوشایند	idealism	کمال‌گرا
-ster	کسی که به چیزی مرتبط است	young	جوان (صفت)	youngster	جوان (اسم)
-ee	شخص، ابزار	employ	استخدام کردن	employee	کارمند
-dom	حالت، وضعیت، بزرگی و مقام، کار	King	پادشاه	kingdom	پادشاهی، حکومت
-ship	حالت، وضعیت، مهارت، کار، مرتبط با	friend	دوست	friendship	رابطه دوستی
-hood	حالت، جمع	neighbor	همسایه	neighborhood	همسایگی، محله

تمرین: دلیل اشتباهات عبارت مشخص‌شده را پیدا کنید:

- The baby showed a noticeable distaste for these **kind** of prepared baby food.

کودک نسبت به این نوع غذای آماده کودک بیزاری محسوسی نشان داد.

پس از ضمیر اشاره these لازم است از اسم جمع و به شکل kinds استفاده شود.

- Ten to twenty **year** after transferring files to new media, the files should be checked for compatibility.

ده تا بیست سال پس از انتقال فایل‌ها به رسانه جدید، فایل‌ها باید از نظر سازگاری بررسی شوند.

در زبان انگلیسی، عددها صفت محسوب شده و اگر عدد بالاتر از عدد ۱ باشند، لازم است اسم بعد از آن‌ها به صورت جمع بکار رود.

- Atmospheric water vapors **regulates** air temperature by absorbing thermal radiation from the sun and the earth.

بخارات آبی اتمسفر با جذب تشعشعات حرارتی خورشید و زمین، دمای هوا را تنظیم می‌کند.

قبل از فعل regulates اسم جمع vapors بکار رفته و در نتیجه فعل لازم است بدون s مفرد بکار رود.

- Lillian Gilberth was one of the leading **engineer** of the twentieth century as well as a pioneer in the field of scientific management.

Lillian Gilberth یکی از مهندسان برجسته قرن بیستم و همچنین پیش‌گام در زمینه مدیریت علمی بود.

بر اساس قاعده جز از کل، پس از ترکیب one of لازم است اسم اصلی پس از of به صورت جمع بکار رود.

I am studying **the Mathematics** at university.

در عبارت مشخص شده، یک اسم با پسوند ics- که مرتبط به اسم رشته علمی است(ریاضیات) داده شده اما به اشتباه قبل از آن از حرف تعریف the استفاده کرده است. یاددآوری می‌شود که قبل از اسامی رشته‌ها نباید از the استفاده کرد.

نکات تکمیلی اسم‌ها

۱- در زبان انگلیسی، اسامی خاص مانند اسم شهرها، کشورها، افراد، ماه‌ها و... همواره با حروف بزرگ شروع می‌شوند و نیازی به ترجمه این کلمات نیست.

In **New York**, many students study **Physics** and **Economics** at **Harvard University**. **John Smith** was born in **Canada** in **December**, which is in winter.

در نیویورک، بسیاری از دانشجویان فیزیک و اقتصاد را در دانشگاه هاروارد مطالعه می‌کنند. جان اسمیت در کانادا در ماه دسامبر به دنیا آمد که در فصل زمستان است.

۲- اسامی غیرقابل‌شمارش درصورتی‌که اشاره به انواع مختلفی از اسم غیرقابل‌شمارش داشته باشند، می‌توانند به‌صورت جمع بکار روند.

The **costs** of building a simple apartment are much higher than in the last 20 years.

هزینه‌های ساخت یک آپارتمان ساده بسیار بیشتر از ۲۰ سال گذشته است.

۳- برخی از اسم‌ها می‌توانند هم قابل‌شمارش باشند و هم غیرقابل‌شمارش و این بستگی به معنی آنها دارد.

اسم	غیرقابل‌شمارش	قابل‌شمارش
glass	شیشه	لیوان
chicken	گوشت مرغ	یک مرغ
paper	جنس کاغذ	یک ورق کاغذ
light	نور	لامپ
work	شغل	اثر هنری
life	زندگی	جان
thought	تفکر	فکر و ایده
space	فضا	فاصله
time	زمان	دفعه/بار

۴- نکته (تفاوت a few/few و a little/little): a few و a little از لحاظ مقدار یا تعداد به معنای کم بوده ولی قابل‌اعتنا و در حد کفایت هستند. در جملات معمولی از ترکیبات a few و یا a little استفاده می‌شود و تنها زمانی که قصد تاکید بر تعداد یا مقدار کم و ناکافی داشته باشیم از few و little استفاده می‌شود. در حالت معمولی، ترکیبات دارای a متداول هستند.

There were very **few** cars on the road late at night.

تعداد (خیلی) کمی ماشین در جاده در اواخر شب بود. (تعدادشان آنقدر کم بود که به چشم نمی‌آمد.)

We watched **a few** episodes of the series.

ما چند قسمت از سریال را تماشا کردیم. (کافی بود و بیشتر از آن نیاز نبود.)

There is very **little** snowfall in this region during December.

در این منطقه، در طول دسامبر، برف خیلی کمی می‌بارد.

Every garden needs **a little** sunshine.

هر باغی به کمی نور خورشید نیاز دارد.

۵- واحدهای شمارش عددی همچون صد، هزار، میلیون و ... در صورتی که دارای عدد مشخص باشند، به صورت مفرد و در صورتی که بدون عدد مشخص باشند، به صورت صدها، هزاران و ... نوشته خواهند شد.

A thousand (یک هزار), thousands (هزاران), seven hundred (هفت صد), hundreds (صدها)

two million (دو میلیون), millions (میلیون‌ها)

حروف اضافه در زبان انگلیسی

مهمترین نکته درباره حروف اضافه در زبان انگلیسی این است که باید پس از حرف اضافه (از هر نوع) اسم/گروه اسمی/ضمیر به کار رود.

حروف اضافه زمان

In:

کاربرد		مثال	چند عبارت دیگر
month, season	ماه و فصل	in June, in winter	In spring
year	سال	in 2005	In last year
decade	دهه	in the 1990s	In the afternoon
century	قرن	in the 18th century	in the evening
era	عصر، دوره	in the Mesozoic era	in the beginning of time

On:

کاربرد		مثال	چند عبارت دیگر
day	روز	on march 1,2019	on Mather day
week day	روزهای هفته	on Tuesday	on ceremony day

At:

کاربرد		مثال	
hour time of day	یک ساعت خاص از روز	at noon at night at midnight at 3 a.m	در زمان ظهر (۱۲ ظهر) در شب در نیمه شب (۱۲ شب) در ساعت ۳ صبح

مهمترین حروف اضافه مربوط به زمان

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
since	برای بیان یک نقطه مشخص از زمان بکار می‌رود و به معنای بازه زمانی از آن نقطه تا حال است	since 1980	از سال ۱۹۸۰(تا الان)
for	برای بیان یک دوره معینی از زمان بکار می‌رود	for 2 years	برای دو سال
ago	برای بیان یک زمان مشخص در گذشته بکار می‌رود	2 years ago	دو سال پیش
before	به معنای«قبل از» است و منظور آن، زمان قبل از زمان مشخص شده است	before 2004	قبل از سال ۲۰۰۴
to/till	ابتدا و انتهای یک بازه زمانی را مشخص می‌کند	from Monday to/till Friday	از دوشنبه تا جمعه
by	بیان می کند که تا یک زمان خاص کار انجام می‌شود	by 11 o'clock, I had read five pages	تا ساعت ۱۱، پنج صفحه خوانده بودم

حروف اضافه مکان

IN:

کاربرد		مثال	
city	شهر	in San Francisco	در شهر سانفرانسیسکو
district	ناحیه	in China town	در محله چینی ها
region	منطقه	in north America	در امریکای شمالی
atmosphere	فضا و جو	in space/ in the universe	در فضا/ در جهان
car/taxi	ماشین و تاکسی	in the car	در ماشین
book	موارد دیگر	in the book	
paper		in the paper	
picture		in the picture	
world		in the world	

ON:

کاربرد		مثال	
street	خیابان	on Enghelab street	در خیابان انقلاب
island and water	جزیره و آب ها	on Kish	در جزیره کیش
earth	زمین	On the earth	بر روی زمین
being on the surface	سطوحی که بر روی آن هستیم	on the table	بر روی میز
for a certain side	جهات اصلی	on the left	در سمت چپ
for public transportation	حمل و نقل عمومی	on the bus/plane	در اتوبوس/ هواپیما
for a floor in a house	طبقات خانه	on the second floor	در طبقه دوم
TV	موارد دیگر	on TV	در تلویزیون
radio		on the radio	در رادیو

At:

کاربرد		مثال	
building	در ساختمان ها	at home/ at the library	در خانه/ کتابخانه
address	برای آدرس دادن یک مکان کاملا مشخص	at 20 Haight street	در خیابان هایت شماره ۲۰
for event	برای رویداد ها	at a concert	در یک کنسرت
ordinary palaces	مکان های مشخص روزمره	at school	در مدرسه
		at work	در سرکار
		at the cinema	در سینما

مهمترین حروف اضافه مکان

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
above	به معنای «بالای» می‌باشد بدون آنکه تماس مستقیم با چیزی داشته باشد	the picture is above my bed	تصویر، بالای تخت من قرار دارد
over	هنگامی که یک چیز، چیز دیگری را می‌پوشاند	put a jacket over your shirt	روی بلیزت یک ژاکت بپوش
	به معنای«بیش از» بکار می‌رود	over 16 years of age	بیش از ۱۶ سال سن
	حرکت از یک طرف به طرف دیگر را بیان می‌کند	walk over the bridge	پیاده روی در امتداد پل
under	به معنای «زیر» است	the bag is under the table	کیف زیر میز است
	به معنای«کمتر» است	These toys are not suitable for children under 5 years	این اسباب بازی ها برای کودکان زیر ۵ سال مناسب نیستند
	به معنای«زیرنظر و تحت کنترل» می‌باشد	she had a total staff of 10 working under her	او ۱۰ کارگر زیردست داشت
below	به معنای «زیر» می‌باشد	an animal that lives below the ground	حیوانی که زیر زمین زندگی می‌کند
beneath	به معنای«ورا و آن سوی» می‌باشد	The sun raises beneath the mountains	خودشید از آن سوی کوه ها طلوع می‌کند.

حرف اضافه	کاربرد	مثال	
along	به معنای «درطول» و یا «در امتداد» است	a group of children walking along in a line	یک گروه از کودکان که در یک خط راه می‌روند
through	به معنای «از میان» جهت بیان طی کردن یک مسیر از یک طرف به طرف دیگر بین یک گروه از چیزهای مختلف است	we made our way through the village to the farm	ما راهمان را برای رسیدن به روستا از بین مزارع انتخاب کردیم
	به معنای «بطور کامل» است	you are wet through	تو کامل خیس هستی
	به معنای دیدن از داخل چیزی است	I could see her through the window	من می‌توانم او را از پشت پنجره ببینم
	به معنای طول زمان و پایان یک دوره زمانی می‌باشد	the cold weather continued through the winter	هوای سرد در کل زمستان ادامه پیدا کرد
across	به معنای از یک طرف به طرف دیگر است	they ran straight across the road	آنها در امتداد مستقیم جاده دویدند
	به معنای آن است که چیزی وجود دارد و یک طرف را به طرف دیگر متصل می کند مانند پل	there isn't a bridge across the road	پلی در امتداد جاده وجود ندارد
beside next to	به معنای«درکنار» می‌باشد	jane is standing (beside/ next to) the car	جین در کنار اتومبیل ایستاده است
into	جهت وارد شدن به جایی بکار می‌رود	you shouldn't go into the kitchen	تو نباید به آشپزخانه می‌رفتی
about	به معنای«درباره» می‌باشد	a book about politic	یک کتاب درباره سیاست
	به معنای «در اطراف» می‌باشد	we are walking about a town	ما داریم در اطراف شهر قدم می زنیم
	به معنای«در حدود»می‌باشد	they arrived about 11 o'clock	آنها حدود ساعت ۱۱ رسیدند
with	به معنای«با»،« به همراه» می‌باشد	I always wear these shoes with this dress	من همیشه این کفش ها را به همراه این لباس می‌پوشم
	به معنای«به علت، از» می‌باشد	they were trembling with fear	آنها به علت ترس، می‌لرزیدند
	به معنای«درجهت»می‌باشد	we sailed with wind	ما در جهت باد سفر(دریانوردی) کردیم
within	به معنای «در ظرف، در مدت» می‌باشد	we should have the test results back within 24 hours	ما باید در طی ۲۴ ساعت پاسخ امتحان را برگردانیم
	به معنای داخل می‌باشد	the rooms within were richly furnished	داخل اتاق ها مبلمان گران قیمتی بود
	به معنای«به اندازه، در حدود» می‌باشد	spend within your income	به اندازه درامدت خرج کن!

فصل دوم: ضمایر

در هر زبانی از جمله زبان انگلیسی، ضمایر در نقش جایگزین اسم‌ها در جملات بکار رفته و از تکرار اسم‌ها جلوگیری می‌کنند. همان‌طور که اسم‌ها در جمله می‌توانند نقش‌هایی همچون فاعل یا مفعول داشته باشند، ضمایر نیز می‌توانند این نقش‌ها را ایفا کنند.

ضمایر فاعلی

قبل از فعل در جمله آمده و نقش فاعل را ایفا می‌کنند.

I go to university by bus.

من با اتوبوس به دانشگاه می‌روم.

They want to go to the library.

آن‌ها می‌خواهند که به کتابخانه بروند.

ضمایر مفعولی

بعد از فعل و یا حرف اضافه (مفعول حرف اضافه) می‌آیند.

Do you like TV shows? Yes, I love them.

تو برنامه‌های تلویزیونی را دوست داری؟ بله، من آن‌ها را دوست دارم.

Call him and give this good news.

او را صدا کن و این خبر خوب را (به او) بده.

صفت ملکی

قبل از اسم آمده و صفتی برای اسم محسوب می‌شود.

Ali is wearing a pants; his pants is light blue.

علی یک شلوار پوشیده است، شلوارش آبی روشن است.

Jody has lost her book.

جودی کتابش را گم کرده است.

ضمیر ملکی

بعد از ضمیر ملکی اسم نمی‌آید بلکه خودش مستقیماً جایگزین اسم می‌شود.

This is your bag. This is yours.

این کیف تو است. این برای توست.

This is my money. Hers is in her wallet.

این پول من است. مال او در کیف پولش است.

ضمیر انعکاسی

در ضمایر انعکاسی، عمل انجام شده به فاعل بر می‌گردد. به تعبیر دیگر، فاعل درباره خودش و عملی که روی خودش صورت‌گرفته صحبت می‌کند. همچنین این ترکیب برای تأکید بیشتر برای انجام‌دهنده کار نیز به کار می‌رود.

Did you make the dress yourself?

خودت این لباس رو درست کرده‌ای؟!

I bought myself a new coat.

من برای خودم یک کت جدید خریدم.

ضمیر فاعلی	ضمیر مفعولی	صفت ملکی	ضمیر ملکی	ضمیر انعکاسی
I	me	my	mine	myself
you	you	your	yours	yourself
he	him	his	his	himself
she	her	her	hers	herself
it	it	its	its	itself
we	us	our	ours	ourselves
they	them	their	theirs	themselves